

چنگ دل

قاسم رفیعا



موچمدنم یره چقد آدم بیکار درم

در حاشیه اینکه علی ربیعی، وزیر کار، در پاسخ به خبرنگاری گفته است: درباره نرخ بیکاری حضور ذهن ندارم!

موچمدنم یره چقد آدم بیکار درم
چکار درم که یک عالم گیج و گرفتار درم

وزیر کارم که فقط به فکر کار و بار بیشم
از مو بپرسن که چقدر آدم تو بازار درم

از مو بپرسن که چقد به بیکارا وام ددم
وام خوداشتغالی از میلیون و میلیار درم

یا مثلاً مستونامرم تو خط گازوئیل
رفاقته قدیمیه با عمو یادگار درم

خیلیا ای روزا دیگه تو غار و مارا نمرن
ما ولی آشنایی با ای خرسای تو غار درم

با خرس و مرسا میشینم ولی با کارگر دیگه
ما وزرا از ای کارا خوب دیگه بکنه عار درم

کارخندار مگه به مو: ربیعی جان چه کار کنم
به کار و کارگر مگم: بزک نمیر بهار درم

کی گفته که کارگرا نون توی سفره ندرن
بفرماین ما خودما همی آلاته ناهار درم

مایم شبیه کارگر خودرو ملی میخرم
مایم شبیه کارگر یک چمدون دلار درم

حالا مزاحمنم ترن باید به کارم برسیم
هیچ کسه کار نداشت نداشت ما خودما که کار درم

سنگ نوشت



علیرضا ابیش

نامه سرگشاده به وزیر مخابرات

سلام آقای وزیر جوان کیمیشده در این دور و زمانه،

می دانم که این روزها حالتان زیاد تعریفی ندارد و دستتان حسایی درد می کند. شنیده ام از بس مقاومت کرده اید که انگشتتان روی دکمه فیلترینگ نرود، رباط صلیبی پاره کرده اید و از بس این روزها مچ واردکنندگان بی انصاف موبایل را گرفته اید شبها مچ بند به دست می بندید و می خوابید. کمی از وزرای دیگر یاد بگیرید که نه کاری به مچ دیگران دارند و نه انگشتشان جایی می رود.

راستی می خواستم بپرسم در جلسه هیئت دولت، با این اختلاف فاحش سنی ای که با بقیه اعضا دارید، چه کار می کنید؟ در هیئت دولت، با چه کسی درباره کالیسی و جان اسنوی سریال «گات» یا «شهرزاد» گپ می زنید؟ با کی پلی استیشن می زنید؟ با کی آهنگ های محبوبتان را به اشتراک می گذارید؟ فکر می کنم از اول تا آخر جلسه آن قدر حوصله تان سر می رود که همالش سرتان توی گوشی است

سنگ آخر



حامد ناملی

بهتره ببری آب خنک بخوری

● به چه جرمی آوردندت اینجا؟

● بانک زدم.

● چه غلط ها! مسلحانه؟

● نخیر، به هیچ وجه! در صلح و صفا با چندتا از رفقا چندمیلیاردی گذاشتیم روی هم و یک بانک تأسیس کردیم.

● خب، بعدش؟

● متأسفانه چرخ بانک نچرخید و ورشکست شدیم.

● پول ملت چی شد؟

● پول چرک کف دسته جناب بازجو، می آد و می ره، پول ملت هم که مدتی می اومد و خوب هم می اومد، بکھویی رفت که رفت.

● چرا پول ملت رو به باد دادید؟ توی پرونده اومده که به پسر فلاشی حقوق ۳۰ سال کارش رو پیش پیش دادید.

● پول خودش بوده، حالا یک ۳۰ سالی زودتر بهش دادیم.

● واقعا درایتی به خرج دادید.

فوتو کاتور



مجتبی نخعی راد

آغاز عملیات اجرایی پروژه مسکونی مشارکتی ۱۸۰ واحدی علویه مشهد



خدایا، این پروژه به سرنوشت مسکن مهر دچار نشه و همه این منطقه آباد بشه!

تست ثبت رکورد گینس برای شکستن سنگ با دست در پدیده شاندیز



صبر کنین، من خودکار یادم رفت بیارم که تو کتاب گینس بنویسیم! از اول ...

کارت رو بکن، من از دوستان آقای خود نگاه هستم ها! این ایتم جهانیه!

آخ آخ! چقدر سفته! رفتین سنگ آتشفشانی آوردین؟!

بازدید رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر مشهد از مجموعه های ورزشی منطقه ۱۱ شهرداری مشهد



این زمین ورزشی وسعتی بالغ بر چند هکتار داره که شامل امکاناتی نظیر...

اینا رو ولش کن، خبرنگارها رو رد کن برن، یگو اون وسایل شنا رو هم بیارن که خیلی هوا گرمه!

راپورت های خفیه



عبید... مقدمی

لطیفه ظریفه اختلاس

● حاشا بلند است.» این فقره خبرها مدت هاست که هیچ در رعیت جماعت نگرفته، مؤثر نمی افتد. زیاده حادثه ای که پیش آید، در عالم مجازی سه چهار فقره ظریفه و لطیفه حواله مختلسان و قرضه گیرندگان می شود و خلاص.

● از قرار مسموع، ارباب سینما نیکنام که اسمش در مجلس وکالت شورای شهر یزد درآمده، ورودش به شورا غدغن شده بود، آخر الامر توفیق ورود یافته، وارد شد. الی الحال، خبری از سیل و زلزله و قحطی به سبب این حضور به ما نرسیده. برسد، می رسانم.

● دیگر اینکه نمی دانیم یا چه رویی باز اخبار گرانی پول ینگی دنیا را به شما بدهیم. رویمان سیاه و حکما خاک بر سر ما! در هفته ماضیه دلار دوباره رم کرده، نه از ۹ هزار تومان بلکه با غلتک از روی رعیت رد شد. الغرض طلا فلان مقدار شد و پول ممالک فرنگیه بهمان قدر گران. رعایا همچنان مشغول دعاگویی، و هر آینه لطیفه و ظریفه گویی و هرهر و کر کردند.

● خبر آخر اینکه کشت و زراعت هر لون و نوعی از چمن و علف در بلاد عظیمه طهران من یوم هذا غدغن شده، رفت بی کارش. به بلدیه حکم شده به سبب قلت آب، من بعد هیچ چمن نکاشت، نباتات و گیاهان که با آب و هوای شهر موافق بودند بکار. متصدیان امور نگفته اند چه گیاه و رستنی است که با آب نخوردن و هوای دودی خوردن موافقت می کند.

● خبر اول اینکه آ شیخ حسن روحانی در مجلسی، دفعتا روی صحبتش را برگردانده سمت رئیس مملکت اتازونی و گفته: «فی الحال، اگر دوباره بخواهید به سیاق ترعیب و تخویف یا ما حرف بزنید، چشم بر سلام و علیک نداشته مان بستم، نه فقط تنگه هرمز، بلکه هرچه تنگه گیرمان بیاید می بندیم. پس حکما بهتر است با دمب شیر بازی نکنید.» در تعاقب حرف مشارالیه، ترامپ در اعلانیه تونیتر خود نوشته: «ابدا یک آمریکایی را تهدید نکن!» و باز هم در تعاقب آن، میرزا جوادخان ظریف الدوله به میانه گود پریده که: «هوووی عمو! صبر کن ببینم! مگر این دیالوگ من نبود؟ به خیالت جای یک کلمه را عوض کرده باشی، کسی ملتفت نمی شود؟!»

● دیگر اینکه جریده یومیه «شرق» در هفته ماضیه اسباب بلوایی عظیمه شد که الی الحال هیچ منتهایش معلوم نشده است. مخلص اینکه روزنامه خبر داده: «ای جماعت! چه نشسته اید که م. م. و ا. ع. و یک. م. دیگر و ح. ص. و الباقی حروف الفبا به یک بانک استقراضی آمده اند و خورده اند و برده اند و چه ها که نکرده اند. م. م. و ا. ع. و یک. م. دیگر هم علی الفور اعلانیه تکذیبیه نوشته، گفته اند: ما نبودیم! علی ای حال، دیوار

سازمان هواپیمایی: هواپیما مجاز است با ایراد پرواز کند



طراح:

مجتبی حیدر پناه